



غلامرضا هدایت نیا

مسجد کبود، جلوهای از معماری مساجد

- سال یکم هجری با صحن پیرامون و تالار ستون‌دارش مبدل به مثال‌اعلای «مسجد» شد که مومنان برای گزاردن نماز و نیایش در آن گرد می‌آمدند. عناصر بنیانی «مسجد» عبارت است از محل کمابیش بزرگی برای اجتماع جماعت نمازگزاران، به‌ویژه در روز جمعه و برخوردار از چنان موقعیتی که مومنان بتوانند، رو به شهر مقدس مکه نماز بگذارند. دیوار روبه‌روی مکه دیوار «قبله» نام دارد و مشخص به محرابی است که معمولاً آن را به شکل فرونشستگی مزین در می‌آورند. در روزگاران پسین، محراب را با آذین‌های مفصل و پیچیده می‌آراستند. برای نمونه در «مراکش» با گره چینی چوبین، در «سوریه» و «عراق» با مرمر کنده‌کاری و شباک‌کاری شده و در ایران با کاشی‌های شفاف و دربردارنده آیاتی از قرآن کریم، مسجد معمولاً مشتمل است بر منبر، یا جایگاه وعظ که از طریق پلکانی بر آن جلوس می‌کنند و در کنار محراب قرار دارد. «مقصوره» یا محوطه‌ای در جلوی محراب که معمولاً به محجری مشبک مخصوص می‌شود و نمازگاه امام، سلطان یا والی است. «مناره» یا برج‌گونه‌ای که معمولاً در یک یا چند گوشه مسجد ساخته می‌شود و از فراز آن مؤذن بانگ فراخوان برای نماز برمی‌دارد، صحن یا حیاط که گرداگرش را رواق‌ها گرفته‌اند (رواق، ایوان متون‌دار یا طاق‌اندازی با - وضوگاه است) و مدرسه، یا آموزشگاهی که افزون بر مجالس درس، غالباً دربردارنده کتابخانه‌ها و حجره‌هایی برای زیستن مدرسان و طلبه‌های دانشجویست.

زینت‌کاری‌های پرتفصیل مایه فر و شکوه مسجدهای جامع‌اند، ولی تقلید از آثار خداوند که آفریدن نقش زندگان نمایان می‌شود، جزو مهمات است، زینت‌کاری‌ها انتزاعی‌اند و صورت‌های هندسی گیاهان چندان از اصلشان دورند که باز

ایران، جایگاه خاص در معماری جهان دارد. به‌طوری‌که پاره‌ای از شاخه‌های معماری بی‌همتای ایران سبب ایجاد شیوه‌های ریشه‌ای در معماری جهان شده است. بدون شک معماری، با هویت ایرانی - اسلامی در معماری سایر ملل به‌ویژه کشورهای - اسلامی تأثیری فراوان بر جای گذشته است، تا جایی‌که در بسیاری موارد طرح آثار و به‌ویژه اجرای اصولی در مرز و بوم پر هنر که چون گوهری تابناک در فرهنگ و علوم معماری جهان اسلام می‌تابد، سهم به‌سزایی داشته، اساس، قانون و ضابطه شده است.

بی‌تردید «اصل نماسازی» آثار ایران به‌حق جذب‌کننده قلوب انسان‌های هنرمند و هنردوست و هنرشناسان عالم و به‌ویژه بندگان مخلص و مومن خداوند در مساجد بوده است. این هنر جایگاه بسیار عمیق، وسیع و گسترده داشته، به‌طوری‌که دانشمندان و مشتاقان ایران‌شناس و مسلمان و غیرمسلمان همه ساله از گوشه‌گوشه‌های گیتی بارسفر بردوش کشیده و خستگی‌های فراوان را به‌جان خریده تا از نزدیک در اعماق زیباترین انواع کاشی‌های هفت‌رنگی، جالب‌ترین کاشی‌کاری‌های معرق بانقوش بسیار دلنشین، مقرنس‌سازی موزون، طاسه‌سازی آونگ و دل‌فریب، گونه‌بندی‌های بس زیبا، رسمی‌بندی‌های بسیار پرکار، کاربندی‌های بسیار شگرف و متنوع و سرانجام پوشش‌های طاقی سر از پا نشناخته و از دریای بی‌کران معماری بی‌همتای ایران بهره‌های فلسفی، علمی، هنری و اجرایی ببرند و از آن سیراب شوند که بی‌شک نشأت گرفته از مبانی عمیق عقیدتی اسلام عزیز است.

مسجد عالی‌ترین جلوه‌ی معماری اسلامی
مسجد پرستشگاه مسلمانان، خانه محمد(ص) در مدینه

نشناختن‌اند.

قبه‌الصخره (۷۲ - ۶۹ هـ - ق) در بیت‌المقدس، یادمان معماری بی‌همتایی است با طرح بیزانسی هشت ضلعی و گنبدی یک‌سره چوبین، لکن تا حدود شش سده بعد ساختن مسجدهای گنبددار رایج نبود. در ۲۶۶ هـ - ق به فرمان «ابن‌طولون» بنیانگذار خاندان طولونیان در مصر، مسجدی نزدیک قسطنطاز گچ و آجر و آراسته به گچ‌بری‌های برجسته با نقش گل و گیاه ساخته شد. در سده‌ی هشتم هـ - ق ایرانیان طرحی نو در ساختمان مسجد درآنداختند و آن این بود که چهار ایوان - نماهایی شکوهمند با طاق‌های قوسی تیره‌دار - برگردگرد صحن مرکزی ساختند. با رویی که به سوی مکه است، مهم‌تر و ژرف‌تر از باروهای دیگر است و محراب را در بر دارد، نمونه بسیار خوبی از این ساختمان، مسجد جامع سلطان حسن در قاهره است. (۷۵۷هـ-ق)

ساختمان مسجد قرطبه (کوردووا) در اسپانیا، نمودار انحراف از سبک «چهارایوان» است. بنای این مسجد «پر ستون» در ۱۶۴هـ-ق/۷۸۰م آغاز شد و در سده چهارم هـ-ق گسترش یافت تا آن‌که شبستان آن با ۱۶ ردیف ستون و طاق محوطه‌ای بزرگ‌تر از هر کلیسای مسیحی را می‌گرفت. کلیسای جامع «کوردووا» در سال ۱۲۳۸م درست در میانه‌ی محوطه مسجد ساخته شد.

مسجدهای ایران سنت ساسانی طاق‌زنی و تزیین سطوح بنا با کاشی‌های خوش آب و رنگ را به میراث بردند، به این سان آن‌ها خصلتی متمایز یافتند که در گنبد‌های پیازی شکل تیزه‌دار، مدخل‌های تیزه‌دار رفیع و کاشی‌های هفت‌رنگ پر فرو شکوه‌شان جلوه‌گر است. در سده‌ی نهم هـ-ق / پانزدهم میلادی و دهم هـ-ق / شانزدهم میلادی، به‌جای شبستان‌های ستوندار، اندرونی‌های چهارگوش پهناور و گنبددار نشستند که گاهی گردشان را راهروهای جانبی با گنبد‌های فروتر از گنبد اصلی گرفته بودند، چنان‌که در مسجد کبود تبریز (۷۳-۸۴۱ هـ-ق / ۶۸-۱۴۳۷م) می‌بینیم. ساختمان مسجد کبود که طرحی ذاتاً بی‌سزانی دارد، با کاشی‌کاری کبود بی‌مانند پوشیده شده است. برای کوتاه کردن این مقال و به‌دست دادن نمونه به‌یخت کلی این مقوله خاتمه می‌دهیم و نمونه ارزنده مسجد کبود را که شاهکار معماری اسلامی است به بررسی می‌گیریم.

بد نیست اشاره شود که در زمان برگزاری اجلاس «نظام اسلامی و احیای مساجد» در تاریخ ۱۹ خردادماه ۷۶، یکی از دانشمندانی که به ایران آمده بود، به‌نام پروفسور فضل‌الله رضا مقاله‌ای هم درباره استاد جلال همایی دارد. وی در این مقاله که در کتاب «مهجوری و مشتاقی» وی، چاپ پژوهشگاه است، می‌گوید:

قطعه تکان دهنده‌ی «همایی» درباره «مسجد کبود تبریز»



و خرابی آن، در ذهن من، همانند قصیده «هان ای دل عبرت بین» خاقانی اثر کرد. این بنای تاریخی آذربایجان را، مانند بسیاری گنجینه‌های دیگر فرهنگ باستان، ما نتوانان نتوانستیم نگاهداری و پاسداری کنیم. این که سهل است اگر باد و آفتاب و دور روزگار هم در کار خرابی کوتاهی کردند، تیشه‌ی جهل ما چیزی فروگذار نکرد و این درست همان است که با فرهنگ و سنت‌های ملی می‌کنیم.

صورت‌پرستان و غرب‌زدگانیم که چشم به‌کور چراغ‌های رنگارنگ دوخته‌ایم و آفتاب‌ها را چندان گل‌آلود کرده‌ایم که کار تمیز مشکل شده است.

ز روی دوست دل دشمنان چه دریا بد

چراغ مرده کجا نور آفتاب کجا؟
قطعه بلند استادی همایی که حوالی پنجاه سال بران می‌گذرد، چنین آغاز می‌شود:

دوشم به حالی که نصیب عد و مباد

جام روان زخون جگر مال مال بود
ساعت به ساعت تن رنجو می‌بکاست

لحظه به لحظه غم و اندوه می‌فزود
بعد از وصف بسیار توانایی از شب تیره و دل تنگ شاعر و نیاز به تفرج و تماشا گوینده به خرابه‌های «مسجدکبود» می‌رود و می‌گوید:

این دو بلند جای که بینی کنون خراب

در روزگار پیش همانندشان نبود
آن یک به هشت گوشه‌ی فردوس طعنه زد

و این یک به هفت گنبد افلاک سر بسود
در پایان قطعه بلند، گوینده نفرینی بلیغ و بسزا به متولیان فرهنگ ناشناس می‌فرستد که:

دست ستمگران که زد دولت بریده باد

با داس جهل کشته‌ی پیشینیان درود
زین توده جهل پیشه‌ی ناهل العیاز

زین دیو مردمان ستمکار قل آعوذ
گر صرصر بلا رسد قوم را «سنا»

گو آن کند که آن کرد به عاد از دعای هود
و اما «مسجدکبود» در ضلع شمالی خیابان امام‌خمینی شهر تبریز واقع شده است. این عمارت که به عمارت «مظفریه»

نیز معروف بوده، به‌سعی و اهتمام «خاتون بیگم» همسر «ابوالمظفر جهانشاه، پادشاه بن قرایوسف بن توره منش‌خان بن بیرام خواجه ترکمان» بنا شده است. جان بیگم و جهانشاه، که در سال ۸۷۲ق به‌دست اوزون حسن آق‌قویونلو کشته شدند، در عمارت مظفریه مدفون‌اند.

ساختمان مسجد در ربیع‌الاول سال ۸۷۰ق به همت و نظارت «جان بیگم خاتون» همسر جهانشاه پایان یافته بود، ولی کار بنای دیگر عمارت‌های وابسته به‌آن، هم‌چنان ادامه داشته است، اما در سال ۸۷۲ق که جهانشاه به‌قتل رسید، کار تکمیل بنا تا دوران سلطان یعقوب، فرزند اوزون حسن، متوقف شده است. در این زمان تبریز روی به آبادانی نهاد و تکمیل بنای عمارت‌های مظفریه نیز مورد توجه «ابوالمظفر

یعقوب بهادر خان» قرار گرفت، و با همت و نظارت «صالحه خاتون» دختر جهانشاه بنای سقف خانقاه و مرمت و تحکیم قسمت‌های ناقص و فرو ریخته‌ی آن به‌پایان رسید. کتیبه‌ای نیز به‌نام سلطان وقت نوشته شد که نام «صالحه» نیز در آن درج شد.

در نیمه اول قرن یازدهم هجری «کاتب‌چلبی» و

«اولیاچلبی» جهانگردان ترک و در نیمه دوم همین قرن

«تاورنیه» و «شاردن» دو جهانگرد فرانسوی از این مسجد

دیدن کرده‌اند.

«اولیا چلبی» وقتی مسجدکبود را دیده، ضمن شرح جوامع تبریز، از آن مسجد چنین یاد کرده است:

«درگاه مسجد جهانشاه بلندتر از طاق کسراست، بنایی

عالی است که با کاشی‌های زیبا آراسته شده، گنبد‌های بلند دارد، همه‌ی دور دیوار آن با کاشی‌های رنگارنگ زینت یافته و جوامع دل‌انگیزی است که هر کس به درون آن داخل شود، دلش اجازه بیرون شدن نمی‌دهد. لکن شیعه‌ها غالباً از رفتن به مسجد خودداری می‌کنند».

«تاورنیه» هشت سال بعد از «اولیا چلبی» یعنی تقریباً

۳۳۵ سال پیش از این، از مسجد کبود دیدن کرده است. او عظمت بنای آن را ستوده و مانند نقاشی چیره‌دست، به قلم بیان تصویر مسجد را ترسیم کرده است و تأسف خورده که چهار، پنج جامع عظیم به‌علت این که بانی آن‌ها سنی مذهب بوده، مورد توجه قرار نگرفته و رو به ویرانی نهاده است.

مسجدکبود، به‌عنوان نمونه

همان‌گونه که اشاره شد من باب نمونه معماری اسلامی و از میان صدها مسجد ساخته شده به‌سبک معماری اسلامی این بنا به‌منظور تشریح انتخاب شد، لذا لازم است قدری به هنر معماری در خود بنا بپردازیم.

بدون شک بنای «مسجد کبود» حیرت‌آور است. این مسجد حیاط بزرگی با طاق‌نماهای جالب توجه داشته و در مرکز آن حوض بزرگی برای وضو ساختن قرار داشته است. امروزه تمام این بنای عالی خراب شده و زمین و مصالح فرو ریخته‌ی آن را نیز مردم تصرف کرده‌اند.

سر در این مسجد در زمین مرتفعی بنا شده و در قسمت بالای آن قوس بیضی شکلی دیده می‌شود. در دو طرف آن ستون‌هایی متصل به‌بنا، به‌شکل مارپیچ بالا رفته و در قسمت بالایی، هلال بیضی شکلی تشکیل شده است. همه‌ی این ستون‌ها از کاشی‌های نفیس فیروزه‌ای رنگ زیبا با نقش و نگارهای خوش‌نما پوشیده شده است. سطوح داخلی رواق از کاشی‌های رنگارنگ مستور است؛ این کاشی‌ها به‌صورت قطعات کوچک بریده شده و با مهارت تمام چنان به‌هم متصل شده‌اند که گویی یک‌پارچه‌اند. در نقاشی و ترکیب رنگ‌ها به‌اندازه‌ی لطف و ظرافت به‌کار رفته که انسان، خود را در برابر تابلوی بسیار عالی پر از سبزه و گل می‌بیند. رنگ کبود زمینه، یکنواختی نقاشی‌ها را از بین برده، بدون این که ذره‌ای از زیبایی و لطف مجموع آن بکاهد. شاید به‌همین مناسبت

به «مسجد کبود» مشهور شده است. این سبک کاشی کاری شایان مقایسه با ترکیبات هندسی خاص صنایع زمان سلجوقی و مغولی نیست و برتری و مزیت زیادی بر آن‌ها دارد. در کوتاهی از این سردر اصلی، به عبادتگاه باز می‌شود، عبادتگاه مرکب از دو تالار بزرگ است که از یکدیگر متمایز و هر دو سابقاً دارای گنبد بوده است. تالار اول با کاشی کاری رنگارنگ زینت یافته و تالار دوم که محراب در آن واقع شده است، با کاشی‌های هشت‌ضلعی کوچک تزئین شده است که رنگ مینایی لاجوردی آن‌ها به شاخ و برگ طلایی و زمینه عاج مانند کتیبه‌ها، جان می‌بخشد. کتیبه‌هایی به خط عربی نوشته شده که با شاخ، برگ و گل‌ها آمیخته است. سنگ‌فرش کف این بنا، بسیار با شکوه و خوش منظره است. این سنگ‌ها را از معادن مجاور دریاچهی ارومیه استخراج کرده‌اند که هنوز هم آسیبی ندیده و سالم مانده‌اند. مسجد بزرگ مرکزی در جنوب دهلیز واقع شده است. این مسجد به‌شکل مربع و طول هر ضلع آن ۱۶/۵ متر است. گنبد فیروزه‌ای بزرگ و معروف مسجد کبود در بالای این قسمت

قرار دارد، این گنبد بود که مسجد را به «فیروزه اسلام» مشهور ساخت.

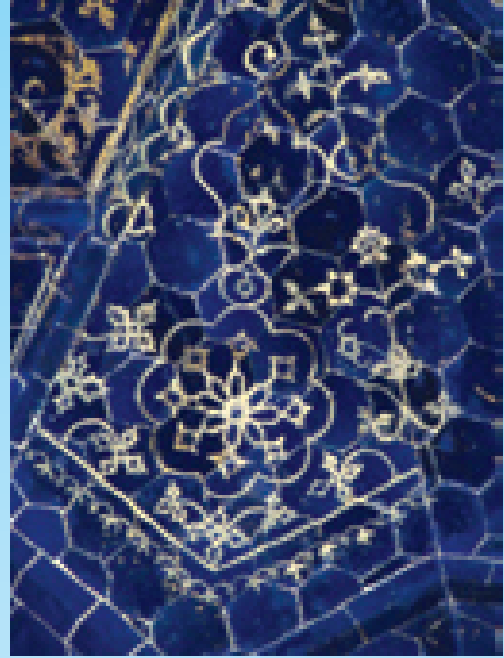
خوشبختانه این گنبد به دست معماران سنتی و با نظارت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی به‌طور کامل مرمت و بازسازی شده است.

طاق جناغی در ورودی مسجد در وسط دیوار جنوبی صفا که دومتر از کوچه مقابل بلندتر است، تعبیه شده، در هر یک از دیوارهای شرقی و غربی، طاقچه‌ای باند با طراحی بدیع و کناره مارپیچی ظریف ساخته شده است. در نغول بالای طاقچه مقابل آیه شریفه «سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدين» و در نغول بالای طاقچه غربی عبارت «قال الله تعالی ادخلوها بسلام آمنین» با خط کوفی تزئینی زیبا، کاشیکاری شده است.

انواع گوناگونی از اسلیمی و ترنج و ختایی، این مربع را احاطه کرده است، مربع بزرگی نیز از ترکیب ده ترنج بیضی‌گونه به‌وجود آمده است:

«یا باعث یا وارث، یا مجیب یا قریب، یا نور یا مدبر یا فرد، و یا مرسل یا مرشد، یا قدیم یا قدیر یا باری، یا رحیم، یا عزیز، یا





مرمرهای محراب در این مسجد باقی است ولی اغلب آن‌ها آسیب دیده و شکسته است. نوشته حاشیه آن‌ها، آیاتی از سوره‌های نبا، فجر و بینه است که با ثلث جلی به‌رشته تحریر درآمده و با اسلیمی زیبا زینت یافته است. هنر حجاری و حکاکی این سنگ‌های قیمتی دست‌کم از هنر ارزنده‌ی خطاطی و نقاشی آن‌ها ندارد، نقر آن کتیبه‌ها به اندازه‌ی دقیق صورت گرفته که انسان را بی‌اختیار به اعجاب و تحسین وا می‌دارد. دو تالار با شبستان شرقی و غربی مسجد که در ضمن توصیف قسمت مرکزی به آن‌ها اشاره شد ازاره‌ی کاشی و تزیین تخمیری داشته است، اما اکنون اغلب از بین رفته و فقط نمونه‌هایی از آن‌ها باقی مانده است.

معماری قرون ۸ و ۹ هجری قمری در ادامه‌ی معماری گذشته‌ی این سرزمین است که برخوردار از ویژگی ممتاز و مخصوص به‌خود است. در این دوران، تزیینات موجب فراموش شدن معماری نمی‌شود و معماری از اهمیت تزیینات نمی‌کاهد. بی‌دلیل نیست که معماری این دوره (معماری قرون ۸ و ۹ هـ.ق) از درخشان‌ترین دوران معماری ایران به‌شمار می‌رود.

«دیتوس اسمیت» به‌حق با دیدن آن شگفت زده شد به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۳۸ هـ-ش وقتی از این مسجد بازدید کرد، گفت:

«شگفتا در قرنی که آمریکا کشف شده، ایرانی چه عظمتی داشته است.»

حال، باید از خودمان بپرسیم تاکنون به همان اندازه که به گالری‌های نقاشی و خطاطی سرکشی کرده‌ایم و به‌معرفی آثار نقاشان در رسانه‌ها پرداخته‌ایم، به‌همان میزان به‌معرفی مساجد و معماری آن، که زبان‌زد جهانیان است، پرداخته‌ایم یا خیر؟ حال آن‌که معماری مساجد شناسنامه پر ارج هنرمندان مسلمان در هر دوره است.

(برگرفته از کتاب "جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی) -
تهیه و تنظیم زیر نظر حجه الاسلام و المسلمین علی رضایی)

خلاق یا وهاب، یا قدیر یا ستار، یا غافر، یا وتر یا سبوح یا بر، یا شافی یا کافی و یا باقی». در میان ترنج‌ها هشت مربع کوچک نیز طرح شده است که نوشته آن‌ها به خط کوفی و عبارت از این قبیل نام‌های مبارک باری‌تعالی است:

احد، خدا، مجید، ستار، باقی، حمید، صمد، نور، در بیرون از ردیف این مربع بزرگ نیز چند ترنج و چند مربع دیگر موجود است که از ردیف این مربع نیز چند ترنج و چند مربع وجود دارد که نوشته‌های آن‌ها هم نام‌های خداست.

شش مثلث نیز در حواشی تابلو دیده می‌شود که همه خط کوفی دارند و هر یک از دو «الحمدلله» به‌وجود آمده است.

در بخشی دیگر از مسجد طرح جالب‌تری نیز از چهار «الحمدلله» با خط کوفی دیده می‌شود، یک مثنی و یک ستاره هشت‌پر نیز به‌طور متداخل در این مربع قرار دارد. این تزیین، شیوه تخمیری دارد و کاشی‌ها در میان آجرهای ساده قرار گرفته‌اند. نوشته چهار کاشی دیگر که هر یک در مقابل یکی از اضلاع مربع واقع شده است عبارت است از:

«یا رفیع الدرجات، یا مجیب الدعوات، یا قاضی الحاجات، یا غافر السیئات».

طرح دل‌انگیزی نیز با خط کوفی از عبارت «حسبی الله و نعم الوکیل» ساخته شده است، این طرح در وسط دو ترنج متداخل قرار گرفته، نوشته شکل مربع دارد، تزیین داخل ترنج عبارت از اسلیمی و ختایی چند نوع گل و بوته است.

این کاشی دل‌انگیز نیز در وسط آجر معمولی جا داده شده و زیبایی شگرفی ایجاد کرده است. زیبایی و تزیینات این مسجد که انسان خوش ذوق را مبهوت و واله می‌سازد، یکی دو تا نیست، در گوشه شمال‌غربی این قسمت از مسجد خوشبختانه تابلویی کاملاً سالم قرار دارد. در وسط این تابلو مربعی از ترکیب چهار «سبحان‌الله» ایجاد شده است، شکل‌های هندسی گوناگون که در درون این مربع طراحی شده، به‌خوبی نمایان‌گر ذوق معماران و هنرمندان آن روزگار است.

اکنون شانزده قطعه از مرمهرای ازاره و یک قطعه از



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی